

عوامل مؤثر بر روحیه کارآفرینی در بین جوانان مهارت آموخته فنی و حرفه‌ای

آرام خضرلو^۱

چکیده

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای یکی از شیوه‌های مؤثر در تربیت نیروی متخصص می‌باشند. لذا سرمایه‌گذاری در این آموزش‌ها در جوامع امروزی، امری حیاتی و عامل مؤثری جهت اشتغال در بخش‌های مختلف و کاهش بیکاری است. یکی از مهارت‌های مورد نیاز برای گنجاندن در برنامه‌های درسی دوره‌های مهارت آموزی، کارآفرینی می‌باشد. با توجه به اهمیت نقش کارآفرینی در رابطه با ایجاد تحول و دگرگونی و ایده‌های نو در جهت جلوگیری از زوال سازمان‌ها، نوآوری و کارآفرینی در واقع پله‌های نردبان ترقی هستند که بایستی با موفقیت و آگاهی کامل طی شوند. متأسفانه بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کشورمان به دلیل عدم آشنایی با حوزه مهارت و کارآفرینی، نمی‌توانند پس از فارغ‌التحصیلی توان علمی خود را در بُعد عملی اجرا کنند. در این راستا، مطالعه کاربردی حاضر با هدف بررسی راهکارهای توسعه مهارت و کارآفرینی در مراکز فنی و حرفه‌ای، به روش کتابخانه‌ای و بر اساس جمع‌آوری اطلاعات صورت گرفته است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که در دیگر کشورها نیز تقریباً تمامی مؤسسات آموزشی به نوعی با فنی و حرفه‌ای درگیرند، به گونه‌ای که آموزش‌های ترکیبی می‌توانند با ایجاد یک مسیر رشد تحصیلی-شغلی جهت دستیابی به تخصص و مهارت‌های عالی در تعیین مسیر شغلی جوانان در دنیای واقعی کار کمک کنند. همچنین نقش سازمان فنی و حرفه‌ای در ایجاد خلاقیت و نوآوری، توسعه کارآفرینی، ایجاد انگیزه در نیروی کار و ارائه فرصتی برای نمایش شایستگی‌ها و توانمندی‌های جوانان غیر قابل انکار می‌باشد. در پایان با ارائه پیشنهاداتی سعی می‌گردد سازمان‌ها و مؤسسات آموزشی، زیرساخت‌های لازم را در محیط آموزشی ایجاد نمایند.

واژه‌های کلیدی: آموزش مهارتی، کارآفرینی، سازمان فنی و حرفه‌ای، خلاقیت، کسب و کار

مقاله علمی پژوهشی

مقدمه

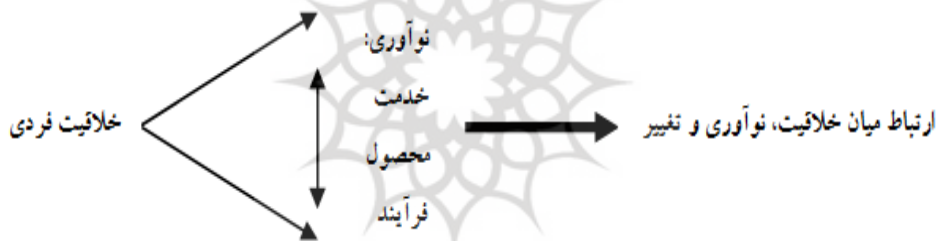
امروزه یکی از مهمترین دغدغه‌های سیاستگذاران و برنامه‌ریزان نظام‌های آموزشی در تمام کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه، انتقال دانش‌آموزان و دانشجویان از محیط آموزشی به بازار کار می‌باشد. بطوریکه دانش‌آموختگان پس از اتمام تحصیلات خود در مقاطع مختلف تحصیلی بتوانند بدون سرگردانی و اضطراب در بازار کار اشتغال یابند (جمالی زواره و همکاران، ۱۳۹۴: ۸). نظام آموزشی به عنوان یکی از مهمترین ارکان جامعه بایستی به فراخور تحولات عصر پیچیده، ساختار و محتوای آموزشی را به طور اساسی اصلاح کند (لطفی جلال‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۳). در این راستا، ضروری است که دانشگاه‌ها برای پرورش نیروی کار، مهارت‌های لازم و شرایط شغلی مورد تقاضا را شناسایی کنند، زیرا آمار دانش‌آموختگان بیکار تا حدود زیادی حاکی از عدم وجود ارتباط مناسب برنامه‌های درسی آموزش عالی با حوزه صنعت، مشاغل و توانایی‌های بالقوه موجود در صنایع می‌باشد. این امر سبب افزایش شمار بیکاران تحصیلکرده و فاقد مهارت‌های لازم می‌شود (عباس‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸: ۸). با توجه به مطالب فوق‌الذکر می‌توان درهم تنیدگی ساختارهای آموزش و اشتغال را یکی از مهمترین ویژگی‌های هر نظام اقتصادی به شمار آورد. هر آموزشی باید توجیه اقتصادی داشته باشد که عالی‌ترین نوع آن ایجاد اشتغال مناسب یا فراگیر است (نوید ادهم و شفیع‌زاده، ۱۳۹۵). از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به دنبال پیشرفت‌های صنعتی و علمی، توجه بسیاری از کشورهای جهان به موضوع تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه در قالب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای معطوف شده است. به نحوی که در بسیاری از جوامع به‌ویژه جوامع صنعتی، امروزه وزارت کار و امور اجتماعی از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پس از وزارت آموزش و پرورش پاسخگوی اغلب نیازهای اجتماعی و اقتصادی می‌باشد (باقرپور و پرند، ۱۳۹۱: ۷۶). بر اساس درک این موضوع که اگر آموزش‌های تئوری و آکادمیک در کنار آموزش‌های عملی و مهارتی نباشند، به تولید ثروت از فناوری منجر نمی‌شوند، سیاست‌های سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور از آموزش‌های عرضه محور به آموزش‌های تقاضا محور تغییر جهت داده و مراکز آموزش مهارت‌های پیشرفته‌را در دانشگاه‌ها راه‌اندازی نموده‌اند (باقرپور و پرند، ۱۳۹۱: ۸۰).

همچنین، در دهه‌های اخیر، عموم کشورهای توسعه یافته در حال گذر از حالت اداری و بوروکراتیک به وضعیت کارآفرینی می‌باشند. این رویکرد سبب ایجاد موجی از سیاست‌های توسعه کارآفرینی در جهان شده است. رواج فرهنگ کارآفرینی و حمایت از کارآفرینان راه‌حل کشورهای مختلف جهت غلبه بر مشکلات اجتماعی و اقتصادی، توزیع متناسب درآمد، توانمندسازی، تحرک مهارت‌ها و سرمایه‌های سرگردان و بلااستفاده، رفاه عمومی و بهبود کیفیت زندگی بوده است، به نحوی که این کشورها توانستند به پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه‌های مختلف دست یابند، بحران‌های ایجاد شده را پشت سر بگذارند و بحران‌های پیش

¹ ASD: Advanced Skills Development

رو را مهار نمایند (میرمحمد رضائی و قلی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۵۹-۱۵۸). بنابراین، در عرصه نوین رقابتی، جامعه‌های پیشگام است که توانسته باشد با پویایی و خلاقیت، منابع تولید را جمع‌آوری کند، با تلاش‌های خلاقانه خود و ایجاد بستر خوداشتغالی به کسب و کار پردازد (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۸). از نظر اغلب کارشناسان اقتصادی نیز کارآفرینی به عنوان موتور محرک اقتصادی، نقش‌های بسیاری در جامعه ایفا می‌کند و مبنای تحولات و پیشرفت‌های بشر به شمار می‌آید (چاوشی نجف‌آبادی و داودی، ۱۳۹۸: ۹۲).

در هر سازمان، کارآفرینی فرآیندی است که طی آن فرآیندها و محصولات نوآوری شده از طریق ایجاد و القای فرهنگ کارآفرینانه در یک سازمان از پیش تأسیس شده برای دستیابی به نتایج نوآورانه برخوردار می‌باشند. این فرآیند به یک عامل کارآفرینانه و یک عمل کارآفرینانه نیاز دارد. عامل کارآفرینانه به فرد یا گروهی اطلاق می‌شود که مسئول شکوفاسازی عمل کارآفرینانه می‌باشد. منظور از عمل کارآفرینانه، پیاده‌سازی و مفهوم‌سازی یک فرآیند، ایده، خدمت، محصول، یا کسب و کار جدید است (طاهری و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷). بنابراین، خلاقیت جوهره کارآفرینی و عامل اصلی موفقیت سازمان‌هاست و به معنی پتانسیل ترکیب یا ایجاد پیوستگی بین ایده‌ها به روشی منحصر به فرد می‌باشد که ارتباط آن با نوآوری و تغییر به صورت شماتیک در شکل ۱ به تصویر کشیده شده است.



شکل ۱- ارتباط میان خلاقیت، نوآوری و تغییر (مأخذ: طاهری و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۸)

با توجه به شکل ۱، اجرای برنامه‌های درسی نیز بایستی ترکیبی از این موارد باشند: ۱) خلاقیت، تعلیم و تجربه؛ ۲) محتوا و مهارت‌ها؛ ۳) فرآیندهای کسب نگرش‌ها و ارزش‌های تولید، نظم و ترتیب؛ ۴) اطلاعات، آگاهی و اکتشاف؛ ۵) کسب دانش مرتبط با موضوع درس و تدریس به شیوه استاد-شاگردی؛ ۶) تجربیات مبتنی بر مشارکت و همکاری (سفیدگر و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱).

نظر به اینکه ایران کشوری جوان است و جمعیت آماده و به کار و قشر تحصیلکرده در آن به چشم می‌خورند، آموزش و توسعه کارآفرینی بیش از پیش ضرورت دارد. از طرفی دیگر، به دلیل این که اغلب فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های کشور با حوزه مهارت و کارآفرینی آشنایی ندارند، نمی‌توانند پس از فارغ‌التحصیلی آموخته‌های دانشگاهی و پتانسیل علمی خود را در بُعد عملی اجرا کنند و در صورت اشتغال در بخش‌های خصوصی یا دولتی، توان مهارتی کمی خواهند داشت. در حال حاضر، بین نظام آموزشی و بازار کار کشور هیچ گونه

ارتباط کمی و کیفی منطقی وجود ندارد. به همین دلیل، ایجاد هماهنگی بین نظام آموزشی به تناسب فارغ-التحصیلان با نظام بازار کار برای جلوگیری از هدررفت منابع آموزشی امری مهم تلقی می‌شود (لطفی جلال-آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۳). امروزه، این تفکر که کارآفرین صرفاً دارای ویژگی‌های ذاتی می‌باشد، رد شده و اقدام به آموزش کارآفرینی شده است. هدف کلی تحقیق حاضر بررسی عوامل مؤثر بر آموزش مهارت‌های کارآفرینی و ایجاد روحیه کارآفرینی در کشور از طریق مرور ادبیات مربوطه می‌باشد.

مبانی نظری پژوهش

"توانمندسازی"^۱ فرآیند قدرت‌بخشی به اشخاص است تا بدین وسیله بتوانند اعتماد به نفس خود را تقویت کرده و بر احساس ناتوانی و درماندگی خود غلبه کنند، در این حالت است که در درون افراد شور و شوق فعالیت ایجاد می‌شود و انگیزه‌های درونی افراد بسیج می‌شوند تا اهداف محقق گردند. توانمندسازی به حالات و احساسات افراد نسبت به سازمان و شغل مربوط شده و نقش فعال مریبان را در ابعاد مؤثر بودن، معنی‌دار بودن، شایستگی، استقلال (خودمختاری) و اعتماد خلاصه می‌کند (اسکندری، ۱۳۹۶: ۸۶).

"مهارت"^۲ توانایی انجام کارها و وظایف مربوط به یک شغل در سطح حرفه‌ای و متناسب با استانداردهای آن شغل است. در تعریفی دیگر، به معنای ترکیب دانش عملی با تخصص، هوش، علم یا هنر، هدف دانش یا درک چیزی و توانایی در زمینه خاصی می‌باشد. این تعریف کارایی در دو جنبه فیزیکی و روانی، مهارت‌های یدی و ذهنی را شامل می‌شود. بنابراین، مهارت حداقل هماهنگی بین ذهن و جسم برای رسیدن به توانمندی است یا توانایی اکتسابی و تمرین شده برای انجام ماهرانه شغل یا وظیفه‌ای است که عموماً ماهیت یدی دارد (لطفی جلال‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۹ و ۸۰).

"نوآوری"^۳ عملی و کاربردی ساختن افکار و اندیشه‌های نو ناشی از خلاقیت می‌باشد. نوآور بودن به سازمان‌ها در برخورد با محیط آشفته و متلاطم خارجی کمک می‌کند تا با تغییر و پیچیدگی که به سرعت در حال افزایش است مقابله کرده و فرصت‌های بازار بهتری نسبت به شرکت‌های فاقد نوآوری به دست آورند (یوسفی، ۱۳۹۶: ۷۰).

¹ Empowerment

² Skill

³ Innovation

"کارآفرینی"^۱ فرآیندی پویا از تغییر بصیرت و بینش با ابتکار و نوآوری است (آریانا و دانش‌فرد، ۱۳۹۹: ۴۴). در تعریفی دیگر، کارآفرینی فرآیند ایجاد ارزش از راه به وجود آوردن مجموعه منحصر به فردی از منابع جهت بهره‌گیری از فرصت‌هاست. به این ترتیب، کارآفرینی عبارتست از: اقدام به کارهایی که در شرایط عادی و به شکل تجارت روزمره صورت نمی‌گیرد. در حقیقت پدیده‌ای است که به طور اساسی تحت تأثیر ابعاد وسیع‌تری از جمله روانشناسی، مدیریت و علم اقتصاد قرار می‌گیرد (ربیعی و خادمی ورنامخواستی، ۱۳۹۳: ۲۸). کارآفرینی به عنوان یکی از عوامل مهم رشد و توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال به منظور حل مسئله بیکاری، به افراد کارآفرین نیازمند است (حسن‌زاده و احمدی، ۱۳۹۵: ۶۵).

"کارآفرین"^۲ به فردی گفته می‌شود که در زمانی که همگان بر عدم تعادل و تناقض، نابسامانی و هرج و مرج اذعان دارند، در پی فرصتی است که با ارائه یک عمل یا ایده‌ای جدیدی به جامعه، تعادل ایجاد کرده و او ضاع را بهبود بخشد. این افراد که به مثابه محور توسعه اقتصادی هستند، کارآفرین خوانده می‌شوند (طاهری و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۶).

"فرهنگ کارآفرینی"^۳ فرهنگی برگرفته از ایده‌های خلاق انسان‌های کوشا بوده و در پی توسعه فکری و پرورشی آنهاست و ارزش‌افزایی کارآفرینانه را به عنوان یک اندیشه بنیادین قابل قبول به "کسب و کار" وارد می‌کند و سبب رواج و توسعه کارآفرینی می‌شود (یارمحمدزاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸).

افزون بر آموزش کارآفرینی، "کارآفرینی آموزشی"^۴ موضوع مهم و بااهمیتی است که به گفته لوین (۲۰۰۶) قصد دارد از طریق توسعه قابل ملاحظه مدیریت و نوآوری در نظام‌های آموزشی سبب افزایش بهره‌وری، بهبود کیفیت و عدالت در ارائه خدمات آموزشی به یادگیرندگان شود. مهمترین کارکرد کارآفرینی آموزشی برای نظام‌های آموزش رسمی تا قبل از دانشگاه، زمینه‌سازی جهت توسعه و ارتقای شایستگی‌های کارآفرینانه دانش‌آموزان است و در صورتیکه این شایستگی‌ها در مقاطع مختلف آموزشی قبل از ورود به دانشگاه، به درستی در دانش‌آموزان ایجاد نشوند و

¹ Entreprenre/ entrepreneurship

² Entrepreneur

³ Entrepreneurial culture

⁴ Educational entrepreneurship

⁵ Lewin

توسعه نیابند، یا به دلیل استفاده از روش‌های غلط تربیتی سرکوب شوند، این خسران به سختی در دانشگاه جبران خواهد شد (رضایی‌زاده و اعلامی، ۱۳۹۸: ۶۷).

پیشینه پژوهش

طبق نظر اغلب متخصصین حوزه کارآفرینی، بسیاری از مهارت‌ها و قابلیت‌های کارآفرینی، قابل آموزش و یادگیری است و در حال حاضر این رسالت بر عهده سازمان‌ها و مؤسسات آموزشی دولتی و خصوصی می‌باشد که در کنار آموزش‌های تخصصی خود، مهارت‌های کارآفرینی را نیز به کارورزان خود آموزش می‌دهند. با توجه به اینکه قابلیت‌های کارآفرینی اغلب اکتسابی هستند، مطالعات بسیاری در خصوص تأثیر آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر جوانان توسط نظام‌های آموزشی داخل و خارج کشور صورت گرفته که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

طاهری و همکاران (۱۳۸۹) رابطه کارآفرینی سازمانی با خلاقیت در آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان گچساران را بررسی نمودند. نتایج آنان حاکی از این بود که همبستگی مثبت معنی‌داری بین کارآفرینی سازمان و ابعاد آن با خلاقیت وجود دارد.

خاتمی و شاه‌حسینی (۱۳۹۱) به بررسی و مقایسه شاخص‌های کارآفرینی دانش‌آموزان شاخه‌های نظری، کاردانش و فنی و حرفه‌ای تهران به روش پرسشنامه‌ای با طیف لیکرت و محاسبه آلفای کرونباخ پرداختند. نتایج آنالیز واریانس یکطرفه نشان داد که بین شاخص‌های کارآفرینی دانش‌آموزان شاخه‌های نظری، کاردانش و فنی و حرفه‌ای تفاوت معنی‌داری وجود دارند.

ربیعی و خادمی ورنامخواستی (۱۳۹۳) با بررسی موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی در سازمان‌های آموزش فنی و حرفه‌ای کشور اذعان داشتند موانع سازمانی عمده‌ترین مانع کارآفرینی در میان مهارت‌آموختگان دوره‌های فنی و حرفه‌ای است و موانع فردی کوچکترین مانع به حساب می‌آیند. همچنین از میان عوامل فردی، آموزشی و سازمانی، عوامل سازمانی را مهمترین عوامل به عنوان موانع توسعه کارآفرینی ذکر نمودند.

حسن‌زاده و احمدی (۱۳۹۵) قابلیت‌های کارآفرینی در بین فراگیران مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای و هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای را به روش توصیفی-پیمایشی با هم مقایسه نمودند. یافته‌ها نشان داد که قابلیت کارآفرینی در بین هر دو گروه کارآموزان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای و

هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای نامطلوب است، اما قابلیت کارآفرینی کارآموزان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای از هنرآموزان هنرستان فنی و حرفه‌ای بیشتر است. ضعف قابلیت کارآفرینی فراگیران آموزش‌های مهارتی نشان‌دهنده برنامه‌ریزی بهتر و توجه بیشتر به تقویت مؤلفه‌های کارآفرینی در میان فراگیران این بخش می‌باشد.

میرمحمد رضائی و قلی‌پور (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به روش علی-مقایسه‌ای بر روی جوانان مهارت آموخته دوره کارآفرینی و کارآموزان مراکز فنی و حرفه‌ای که هنوز دوره کارآفرینی را نگذرانده‌اند، بیان نمودند که روحیه کارآفرینی در کارآموزانی که دوره کارآفرینی را گذرانده‌اند، در ابعاد خلاقیت، ریسک‌پذیری، مرکز کنترل، توفیق‌طلبی، تحمل ابهام و نیاز به استقلال بالاتر بوده، به نحوی که می‌توان از کارکرد مثبت آموزش‌های کارآفرینی در جهت افزایش روحیه کارآفرینی و در نتیجه اشتغال‌زایی و مبارزه با بیکاری استفاده کرد.

کاشانی و همکاران (۱۳۹۶) عوامل مؤثر بر مهارت‌های کارآفرینی ۲۷۷ نفر از دانشجویان رشته کشاورزی دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان تهران را با استفاده از پرسشنامه، نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده و فرمول کوکران بررسی نمودند. نتایج تجزیه و تحلیل آنان نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین عوامل شخصیتی، امکانات و محتوای آموزشی، روش‌های آموزشی و نیز عوامل مدیریتی با مهارت‌های کارآفرینی این دانشجویان وجود دارد. اما رابطه بین ویژگی‌های آموزش‌گران و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان معنی‌دار نبود. همچنین، بیشترین اثر مستقیم و بیشترین تأثیر غیرمستقیم بر مهارت‌های کارآفرینی به ترتیب مربوط به محتوای آموزشی و عوامل مدیریتی بود.

کریمیان و همکاران (۱۳۹۹) با ارائه نظریه داده بنیاد برای تبیین فرآیند شکل‌گیری روحیه کارآفرینی در بین دانش‌آموزان مدارس فنی و حرفه‌ای به این نتیجه رسیدند که گرایش فرد به نوآوری، یک مقوله اصلی است که منجر به ایجاد کارآفرینی شده و ایجاد فعالیت‌های کارآفرینانه را مطلوب می‌کند. به این ترتیب که اگر فردی تحت تأثیر شرایطی نظیر تجربه کاری، وضعیت بازار، تشخیص فرصت، سرمایه و حمایت هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، گرایش به نوآوری را امکان‌پذیر بیابد، راهبردهایی را پیش می‌گیرد که در نتیجه آن یک فعالیت کارآفرینانه شکل می‌گیرد.

جنسن و نیباک (۲۰۰۹) در مطالعه خود پیرامون عوامل فعال‌کننده نوآوری و کارآفرینی در درون سازمان‌های دانش بنیان، به این نتیجه رسیدند که محیط درونی شرکت شامل فرهنگ درونی

شرکت، شبکه‌های اجتماعی شامل مشارکت گروهی در فعالیتهای اجتماعی، ارتباطات شامل مشارکت گروهی در فعالیتهای، تعاملات با شرکتهای دیگر، مشارکت در دوره‌های آموزشی، کنفرانس‌ها و شبکه‌های علمی و همکاری در دسترسی به منابع، تأثیر مثبتی بر فرآیند کارآفرینی در شرکتهای دارند.

گریچنیکا و همکاران (۲۰۱۲) با هدف آزمودن اثر هیجان‌ناث مثبت (شادی) و منفی (ترس) بر مراحل متمایز فرآیند کارآفرینی، اهمیت هیجان‌ناث و نحوه تأثیر آنها بر ارزشیابی و بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه را بررسی نمودند. نتایج آنان مبین این بود که از یک طرف هیجان‌ناث مثبت بر ارزشیابی فرصت‌ها به طور مثبت و از طرف دیگر به استفاده از موقعیت‌ها به طور منفی تأثیر می‌گذارند. همچنین، هیجان‌ناث منفی نه تنها بر ارزشیابی فرصت بلکه بر استفاده از موقعیت‌ها نیز به شکل منفی مؤثرند.

حسینی و احمدی^۱ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان "عوامل مؤثر بر کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های ایران" نشان دادند که از دیدگاه دانشجویان ایران عوامل روانشناختی بیشترین تأثیر را و سپس عوامل اقتصادی، ویژگی‌های شخصیتی، عوامل سیاستگذاری، عوامل آموزشی و عوامل فرهنگی به ترتیب اثر بیشتری بر کارآفرینی دارند.

اکپه و چی رازک^۲ (۲۰۱۵) مطالعه‌ای را با هدف بررسی تأثیر تعدیل‌کننده خودانگیزی بر رابطه بین مهارت‌های کارآفرینی و کارآفرینی در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های دولتی مالزی انجام دادند و اذعان داشتند که رهبران، دولت و مردم باید راهبردهای مناسب (نظیر مشاوره در مدارس) را اتخاذ کنند که سبب تشویق و مشارکت بیشتر جوانان در خوداشتغالی خواهند شد.

تریونو^۳ (۲۰۱۵) شاخص‌های طراحی آموزشی برای آموزش الکترونیکی در دبیرستان‌های فنی و حرفه‌ای اندونزی را با مطالعه اکتشافی و گروه کانونی بررسی و مدل طراحی آموزشی در یادگیری الکترونیکی را تعریف کردند. یافته‌های مطالعه ایشان حاکی از این بود که برنامه‌های آموزشی به بررسی عوامل داخلی و خارجی نیاز دارند که بایستی با استفاده از شایستگی حرفه‌ای و رویکردهای یادگیری صورت گیرد.

¹ Grichnika

² Hosseini and Ahmadi

³ Ekpe and Che Razak

⁴ Triyono

بیونکن او همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه خود اذعان داشتند که رضایت شغلی و توانمندسازی نوآوری و نیز عملکرد کارآفرینی می‌توانند به توانمندسازی دانشگاه‌ها کمک کنند و اقدامات مختلف را برای نتایج کارآفرینی دانشگاه‌ها بهبود بخشند.

روش پژوهش

جهت شناخت عمیق از وضعیت موجود و نظر به بررسی‌های صورت گرفته در خصوص میزان آموزش کارآفرینی و خلاقیت در مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز فنی و حرفه‌ای ضرورت انجام این مطالعه برای کشف تمامی ابعاد پیدا و پنهان آن محرز می‌گردد. این تحقیق از نظر ماهیت کیفی بوده و به روش توصیفی-کتابخانه‌ای یا اسنادی و مبتنی بر مرور ادبیات و مستندات، با جستجوی نظام‌مند کلمات کلیدی و مراجعه به منابع موجود اعم از کتب، مقالات علمی-پژوهشی و پایان‌نامه‌ها، به بررسی تأثیر کارآفرینی بر مهارت آموختگان سازمان فنی و حرفه‌ای پرداخته است. به روش نمونه‌گیری تصادفی تعدادی مقاله مورد بررسی قرار گرفت و با استفاده از تحلیل اسنادی بدون هر گونه جهت‌گیری به استخراج شاخص‌ها و بحث پیرامون موارد انتخاب شده در این زمینه پرداخته شد. در این مطالعه، به جای انجام آزمایش و استفاده از روش‌های آماری خاص و گزارش کردن نتایج به صورت کمی، مروری عمیق و جامع با استفاده از پایگاه‌های داده علمی صورت گرفت تا ضمن ترکیب مطالعات متعدد، به درک عمیق‌تر و گسترده‌تر، و نتیجه‌گیری جامع‌تری برسیم. با توجه به اینکه نتایج این تحقیق می‌تواند در سازمان فنی و حرفه‌ای، وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش به کار رود، از نوع کاربردی می‌باشد.

یافته‌ها

ویژگی‌های کارآفرینان

پیشینه مطالعات کارآفرینی اشاره به این دارد که کارآفرینان ویژگی‌ها و قابلیت‌های مخصوصی دارند. هر چند در این پیشینه، مجموعه پذیرفته شده جامعی از قابلیت‌های کارآفرینان وجود ندارد. در جدول ۱، برخی از مهمترین مهارت‌های شخصی کارآفرینان اشاره شده‌اند:

¹ Bouncken

جدول ۱- مهمترین مهارت‌های شخصی فرد کارآفرین (مأخذ: ربیعی و خادمی و برنامه‌خواستی، ۱۳۹۳: ۳۲-۳۰)

مهارت	توضیح
نوآوری	خلق هر چیز جدید که ارزش قابل ملاحظه‌ای برای فرد، گروه، سازمان، صنعت یا جامعه دارد. حل مسئله و در جستجوی فرصت‌ها بودن نیازمند راه‌حل‌هایی است که بسیاری از آنها ممکن است به یک وضعیت خاص تعلق داشته باشند.
ریسک‌پذیری	پذیرفتن و استقبال از خطرات احتمالی در کسب و کار که در اغلب کارآفرینان این ویژگی به چشم می‌خورد.
تغییرمحوری	به این دلیل که شرایط داخلی و خارجی سازمان یا شرکت همواره در حال تغییر و دگرگونی است و این دگرگونی با سرعت زیاد و دامنه وسیعی انجام می‌شود، یک کارآفرین به عنوان عامل تغییر همواره با مسئله اجتناب‌ناپذیر تغییر سر و کار دارد. لذا، بایستی در مقابل تغییرات، نگرش مثبتی داشته باشد و برای اعمال تغییر در مواقع لزوم آماده باشد.
توانایی اداره تغییر	با توجه به اینکه نمی‌توان جلوی تغییرات و دگرگونی‌ها را گرفت یا خود را در معرض آنها قرار نداد، باید با برنامه‌ریزی صحیح با دگرگونی‌ها مقابله کرد و مسیر مناسب را برگزید. این توانایی در ادامه آینده کاری فرد کارآفرین بسیار مهم و حیاتی می‌باشد.
تحمل ابهام	پذیرش عدم قطعیت و توانایی ادامه حیات با دانش ناقص درباره محیط و میل به آغاز فعالیتی مستقل، تحمل ابهام نامیده می‌شود. کارآفرینان بدون احساس ناراحتی یا تهدید، می‌توانند به طور مؤثر با اطلاعات و شرایط ناقص، مبهم، غیرقطعی، غیر شفاف و سازمان نیافته مواجه شوند و همزمان با رفع ابهامات، شرایط را به نفع خودشان تغییر دهند. در حقیقت، ابهام موجب انگیزش آنان می‌شود. به عبارتی اهمیت ابهام برای آنان بیشتر از امنیت شغلی‌شان است.
توانایی کنترل و نظم درونی	عقیده افراد نسبت به اینکه آیا تحت کنترل وقایع خارجی یا داخلی قرار دارند یا خیر، مرکز کنترل نامیده می‌شود. اغلب کارآفرینان موفق به خودشان ایمان داشته و موفقیت یا شکست را به شانس، سرنوشت یا نیروهای مشابه نسبت نمی‌دهند. همچنین قادر به کنترل وقایع پیش آمده هستند.
مقاومت و پشتکار	هیچ موفقیت بزرگی بدون پشتکار و جدیت بی‌وقفه حاصل نمی‌شود. افراد موفق لزوماً داری هوش، سرعت و قدرت بیشتری نسبت به دیگران نیستند، بلکه مقاومت، صبر و پشتکار بیشتری داشته‌اند.
توفیق طلبی	مهمترین تعریف توفیق‌طلبی عبارتست از انگیزه‌ای که فرد را به فعالیت و انجام دادن یک کار وادار می‌سازد و وی از این طریق خواهان تأثیرگذاری در سایر افراد می‌باشد. تمایل افراد به رسیدن به هدف طبق مجموعه استانداردها، انگیزه موفقیت

مهارت	توضیح
	تلقی می‌گردد. توفیق‌طلبی یا نیاز به موفقیت، گرایش همه‌جانبه به ارزیابی عملکرد با توجه به عالی‌ترین معیارها و برخورداری از لذت موفقیت در عملکرد را بیان می‌کند.
رهبری دوراندیشی	دوراندیشی به توانایی دیدن همه چیز قبل از به وقوع پیوستن اطلاق می‌شود و مهارتی است که برای کنترل دوران آشوب ضروری است.

اهداف کارآفرینی

هدف از آموزش کارآفرینی، تربیت افرادی خلاق، استفاده از فرصت‌های مناسب به وجود آمده، افزایش انگیزه افراد و حل مشکلات می‌باشد. به طور کلی، مهمترین اهداف در آموزش کارآفرینی عبارتند از:

۱. حل معضل بیکاری و افزایش بهره‌وری: افزایش اشتغال در جامعه از مهمترین نتایج برنامه‌های توسعه کارآفرینی می‌باشد. با افزایش امکان کارآفرینی در جامعه، کارآفرینان بیشتری می‌توانند بنگاه‌های متعلق به خود را تأسیس کرده و در کنار ایجاد شغل برای خود، نیروهای بیشتری را نیز به کار گیرند.

۲. دستیابی به توسعه منطقه‌ای: گاهی دولت‌ها از توسعه کارآفرینی به عنوان ابزاری مؤثر به منظور دستیابی به توسعه اجتماعی-اقتصادی منطقه به ویژه مناطق محروم و از بین بردن تبعیض بین افراد جامعه استفاده می‌کنند.

۳. افزایش صادرات: آن دسته از کشورهایی که در اقتصاد خود، رویکرد افزایش صادرات را دنبال می‌کنند، با حمایت از واحدهای کارآفرینانه و کسب و کارهای کوچک، عرضه خدمات و محصولات این شرکت‌ها و امکان ورود به بازارهای بین‌المللی را تسهیل می‌کنند که این امر در مجموع به نفع صادرات کشور می‌باشد.

۴. افزایش مشارکت بخش‌های خصوصی در اقتصاد، کاهش تمرکز اقتصادی و انحصار شرکت‌های بزرگ: در کارآفرینی، کسب و کارهای کوچک با افزایش تعداد مالکان خصوصی، سبب افزایش مشارکت عمومی در اقتصاد می‌شوند، شرکت‌های کوچک نیز انحصار شرکت‌های بزرگ را کاهش داده و خدمات تکمیلی برای آنها ارائه می‌کنند و از این طریق سبب کاهش آشفته‌گی‌های اقتصاد امروزی می‌شوند.

۵. شناسایی و توسعه مهارت‌ها و استعداد‌های کارآفرینانه: فناوری‌ها از طریق بنگاه‌های اقتصادی توسعه یافته و کاربردی می‌شوند. توسعه کسب و کارهای کوچک سبب می‌شود تا استفاده نوآورانه و خلاقانه از فناوری بیشتر شده و فناوری نیز از طریق مسیر کاربردی انتشار بیشتری یابد (جهانیان، ۱۳۸۹: ۵۴؛ بایگ‌ریو و هوفر، ۱۹۹۱).

عوامل تأثیرگذار بر موفقیت کارآفرینی

طبق توصیه یونسکو، همه کشورها به یک خط‌مشی منسجم آموزشی نیاز دارند که در آن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به عنوان یک بخش اساسی از این سیستم یکپارچه می‌باشند. به عنوان مثال، مالزی از جمله کشورهایی است که در کنار برنامه‌های متنوع، توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را در دستور کار خود قرار داده است و در این باره تنها به منابع داخلی اکتفا نکرده، بلکه مؤسسه‌های فنی و حرفه‌ای مشترکی را با کشورهای فرانسه، آلمان و انگلستان به منظور انتقال فناوری به بخش صنعت، در آن کشورها تأسیس نموده است (سلیمی فر و مرتضوی، ۱۳۸۴: ۶۸).

البته توفیق در جهت کسب دستاوردهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در گرو متغیرها و عوامل بسیار زیادی است که نتیجه آن سرمایه‌انسانی کارآفرین است (ربیعی و خادمی و رنامخواستی، ۱۳۹۳: ۳۹). موفقیت کشورها به خصوص کشورهای آسیایی در اجرای برنامه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای به عوامل متعددی بستگی دارد که در جدول ۲ ذکر شده‌اند:

جدول ۲- عوامل مؤثر بر موفقیت یا عدم موفقیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (مأخذ: سلیمی فر و مرتضوی، ۱۳۸۴: ۶۹-۶۸)

عوامل	نحوه تأثیرگذاری
عوامل اقتصادی	ساختار صنعت، تنوع فعالیت‌های اقتصادی و سطح توسعه اقتصادی، در ایجاد نیاز به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مؤثر واقع می‌شوند. یکی از الزامات و خواسته‌ها در اغلب کشورها حتی در کشورهای توسعه یافته، توجه به آموزش‌های آماده‌سازی جوانان برای کار می‌باشد.
عوامل اجتماعی	در بسیاری از کشورهای آسیایی، نسبت به کارهای مبتنی بر مهارت یا اصطلاحاً کارهای یدی که بر مبنای دستورالعمل می‌باشند، نگرشی منفی وجود دارد.
دولت	به دلیل اینکه هزینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مقایسه با آموزش‌های عمومی بیشتر است، دولت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه این آموزش‌ها ایفا می‌کنند. این یعنی دولت‌ها باید در

¹ Bygrave and Hofer

عامل	نحوه تأثیرگذاری
	تخصیص منابع مالی توجه ویژه‌ای به این آموزش‌ها داشته باشند. زیرا سرمایه‌گذاری نامناسب منجر به بازدهی مناسب نخواهد شد. ژاپن در زمره کشورهایی است که دولت آن در بهبود آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بسیار فعالانه عمل می‌کند و بدون کمک دولت، امکان تسریع و توسعه این آموزش‌ها وجود ندارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این مطالعه بر آن بودیم تا ضمن بیان اهداف کارآفرینی که زاینده آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌باشد و بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت یا عدم موفقیت این آموزش‌ها و تشریح مزایای آن برداریم. با توجه به مطالب گفته شده، مهارت‌های کارآفرینی یکی از عوامل مهمی هستند که با ارائه یک مسیر رشد تحصیلی-شغلی برای رسیدن به تخصص و مهارت عالی حرفه‌ای، سبب تسریع اشتغال دانش-آموزان و دانشجویان در آینده می‌شود و شناسایی عوامل مؤثر بر این مهارت‌ها حائز اهمیت بسیاری می‌باشد.

البته نهادینه شدن فرهنگ کارآفرینی در جامعه به میزان قابل ملاحظه‌ای به آموزش‌های صحیح در مدارس و دانشگاه‌ها و ایجاد نگرش‌های سازنده کارآفرینی بستگی دارد. جهت افزایش نقش سازمان فنی و حرفه‌ای در توسعه کارآفرینی پیشنهاد می‌گردد:

- تلاش مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای و همچنین مدارس و دانشگاه‌ها در ارائه مشاوره‌ها و آموزش‌های کارآفرینی، معرفی کارآفرینان موفق به جوانان، فعال‌سازی دفاتر مشاوره کارآفرینی باشد.
- یک مرکز پایگاه داده رهگیری و پیگیری فارغ‌التحصیلان طراحی شود تا روند اشتغال فارغ‌التحصیلان مراکز فنی و حرفه‌ای استان، مشخص و از نتایج آن برای برنامه‌ریزی‌های آینده و متناسب‌سازی آموزش‌ها با نیازهای بازار کار استفاده شود.
- به منظور توسعه فعالیت‌های کارآفرینی به خصوص در میان فارغ‌التحصیلان مدارس کاردانش و هنرستان و حمایت از پروژه‌های کارآفرینانه آنان، برنامه‌های جامعی برای جلب سرمایه‌گذاری بخش‌های خصوصی، بانک‌ها و تعاونی‌ها تدوین گردد.
- کارشناسان کارآفرینی که از میان نخبگان رشته‌های مختلف که کارآفرینان برتر، صنعتگران موفق و راه‌اندازی‌کنندگان واحدهای اقتصادی در جامعه می‌باشند، به کارگیری شود.

-سمینارهای تخصصی و جزوات آموزشی به طور وسیع در اختیار جوانان و دانش‌آموختگان دانشگاهی قرار گیرند و کارگاه‌ها و دوره‌های کوتاه مدت تقویت مهارت‌های کارآفرینی برگزار گردد.
-با توجه به رویکردهای مدنظر در واحدهای درسی دانشجویان، اجرای دوره‌های آموزش مهارت‌ها در دانشگاه‌ها برنامه‌ریزی شود و برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها به سمت انتقال مهارت سوق داده شوند.
-مقررات و قوانین مالی و مالیاتی به نحوی تدوین شوند که انگیزه‌های لازم به منظور انجام فعالیت‌های کارآفرینی ایجاد شود.

-روند تغییرات فعالیت‌های اقتصادی و تأثیر آن بر تقاضای بازار کار مورد پیگیری قرار گیرد تا از این طریق تحولات مذکور پیش‌بینی و سیاست‌های مناسب برای تطبیق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با آن اتخاذ شود.

-آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پودمانی شوند و به جای اینکه طی یک دوره زمانی کسل‌کننده و طولانی مدت صرفاً در داخل مراکز آموزشی و بدون ارتباط واقعی با محیط کار برگزار شود، آموزش هر پودمان متناسب با کار در محیط واقعی صورت گیرد.

منابع

- آریانا، ا.، دانش‌فرد، ک. (۱۳۹۹). تبیین شاخص‌های توانمندسازی دانشگاه فنی و حرفه‌ای مبتنی بر ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین (مورد مطالعه: دانشگاه فنی و حرفه‌ای بندرعباس). فصلنامه علمی-پژوهشی کارافن، دوره ۱۷ شماره ۳، ص ۵۹-۴۱.
- اسکندری، ی. (۱۳۹۶). شناسایی، تعیین و تحلیل عوامل مؤثر بر توانمندسازی تدریس مربیان فنی و حرفه‌ای، مطالعه موردی استان کرمانشاه. مهارت‌آموزی، شماره ۲۱، ص ۱۰۸-۸۵.
- باقرپور، ح.، پزند، ک. (۱۳۹۱). رابطه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مراکز دانشگاهی و توانمندسازی روان‌شناختی دانشجویان مهارت‌آموخته: مطالعه موردی در استان زنجان. مهارت‌آموزی، شماره ۲، ص ۹۲-۷۵.
- جمالی زواره، ب.، نیلی، م.ر.، شادفر، ح. (۱۳۹۴). تبیین عناصر برنامه درسی کارآفرینی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای. مهارت‌آموزی، دوره ۳ شماره ۱۲، ص ۲۱-۷.
- جهانیان، ر. (۱۳۸۹). بررسی راهکارهای توسعه کارآفرینی در آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای دانشگاه آزاد اسلامی. تحقیقات مدیریت آموزشی، دوره ۲ شماره ۲، ص ۷۴-۵۱.
- چاوشی نجف‌آبادی، ز.، داودی، س.م.ر. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل مؤثر بر کارآفرینی آموزشی؛ مطالعه موردی هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش شهرستان نجف‌آباد. مطالعات برنامه درسی ایران، شماره ۵۲، ص ۱۳۰-۹۱.
- حسن‌زاده، ح.، احمدی، س.ج. (۱۳۹۵). مقایسه قابلیت کارآفرینی کارآموزان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای و هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای. مهارت‌آموزی، شماره ۱۸، ص ۷۴-۶۳.

- خاتمی، ع. شاه حسینی، ح. (۱۳۹۱). وضعیت شاخص‌های کارآفرینی در بین دانش‌آموزان شاخه‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش. تحقیقات مدیریت آموزشی، دوره ۴ شماره ۱، ص ۹۵-۱۱۶.
- ربیعی، ع. خادمی و زمانخواستی، ن. (۱۳۹۳). موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور: مطالعه موردی اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان تهران. مهارت‌آموزی، دوره ۲ شماره ۷، ص ۲۵-۵۱.
- رضایی‌زاده، م. اعلامی، ف. (۱۳۹۶). کارآفرینی آموزشی: اصول، مبانی و مصادیق. نشر علم استادان، تهران. ۱۶۴ صفحه.
- سفیدگر، س.، علی‌احمدی، ع.ر.، علی‌احمدی جشفقانی، ح. (۱۳۹۹). بهبود ساختار و فرآیندهای مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی مهارت‌ها. شایستگی‌ها در نظام آموزش فنی، حرفه‌ای و مهارتی. مطالعات مدیریت راهبردی، شماره ۴۱، ص ۱-۱۴.
- سلیمی‌فر، م. مرتضوی، س. (۱۳۸۴). سرمایه انسانی و کارآفرینی در رویکرد فنی و حرفه‌ای (مورد مطالعاتی خراسان). دانش و توسعه، شماره ۱۷، ص ۸۵-۶۳.
- طاهری، ع.، شایان جهرمی، ا.، ترابی، س. (۱۳۸۹). بررسی رابطه‌ی کارآفرینی سازمانی با اخلاقیت در سازمان فنی و حرفه‌ای شهرستان گچساران. رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، شماره ۴، ص ۶۲-۴۵.
- عباس‌نژاد، ع.، حسینی، س.م.ر.، سعیدی، پ.، مستقیمی، م.ر. (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی با رویکرد اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی (مورد مطالعه: اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان گلستان). مهارت‌آموزی، شماره ۲۷، ص ۲۰-۷.
- کاشانی، ت.، رسولی، م.، سلیمانپور، م.ر. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان رشته کشاورزی دانشگاه فنی و حرفه‌ای در استان تهران. پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، شماره ۳۷، ص ۶۳-۵۳.
- کریمیان، ز.، صالحی، ک. و خدایی، ا. (۱۳۹۹). ارائه نظریه داده بنیاد برای تبیین فرآیند شکل‌گیری روحیه کارآفرینی در بین دانش‌آموزان مدارس فنی و حرفه‌ای. اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۱۶ شماره ۱، ص ۴۴-۷.
- لطفی جلال‌آبادی، م.، فرهادی، ع.، روابی، س.، غلامی، م. (۱۳۹۸). طراحی الگوی مهارت‌محوری برای دانشجویان فنی و حرفه‌ای با استفاده از نظریه داده بنیاد. دوفصلنامه علمی کارافن، شماره ۴۶، ص ۱۰۰-۷۱.
- میرمحمد رضائی، س.ز.، قلی‌پور، م. (۱۳۹۵). سنجش روحیه کارآفرینی و عوامل مؤثر بر آن در بین جوانان مهارت‌آموخته دوره کارآفرینی در مقایسه با کارآموزان آموزش‌ندیده اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای زنجان. مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، شماره ۲۱، ص ۱۸۶-۱۵۷.
- نوید ادهم، م.، شفیع‌زاده، ح. (۱۳۹۵). بررسی مهمترین چالش‌ها و راهبردهای آموزش مهارتی در ایران. راهبرد اجتماعی فرهنگی، دوره ۵ شماره ۲۰، ص ۲۲-۷.
- یارمحمدزاده، پ.، مهدیون، ر. و قلی‌پور، س. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ کارآفرینی در مدارس کاردانش و فنی و حرفه‌ای: رویکرد ترکیبی. رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، شماره ۳۸، ص ۵۵-۳۵.
- یوسفی، ج. (۱۳۹۶). تحلیل رابطه نوآوری، کنترل و مخاطره‌پذیری با کارآفرینی سازمانی (مورد مطالعه: اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان خراسان جنوبی). مهارت‌آموزی، شماره ۲۰، ص ۷۸-۶۷.

- Bouncken, R., Martin, R., Roman, B., Sascha, K. & Coworking, S. (2020). Empowerment for entrepreneurship and innovation in the digital and sharing economy. *Journal of Business Research*, 114. 102-110.
- Bygrave, W. D. & Hofer, C. W. (1991). The organizing about entrepreneurship. *Entrepreneurship. Theory and Practice*, 16(2). 13-22.
- Ekpe, I. & Che Razak, R. (2015). Entrepreneurial Skill Acquisition and Youth's Self-Employment in Malaysia: How Far? *Mediterranean Journal of Social Science*, 6(4). 2039-9340.
- Grichnika, D., Smejaj, A. & Welpec, I. (2010). The importance of being emotional: How do emotions affect entrepreneurial opportunity evaluation and exploitation?, *Journal of Economic Behavior and Organization*, 76. 15-29.
- Hosseini, S. J. & Ahmadi, H. (2011). Affective Factors contributing to entrepreneurial attitudes of university students in Iran. *Annals of Biological Research*, 2(2). 366-371.
- Jenssen, J. I. & Nybakk, E. (2009). Interorganizational innovation promoters in small and knowledge intensive firms. *International Journal of Innovation Management*, 13. 441-466.
- Lewin, H. M. (2006). Why is educational entrepreneurship so difficult? *Educational entrepreneurship*, 165-182.
- Triyono, M. B. (2015). The Indicators of Instructional Design for e- learning in Indonesian Vocational High Schools. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 204. 54-61.

